+ در «چاردیواری» بخوانید
پرواز با بال‌های آهنی

بررسی ویژگی‌های زبانی و شعری طاهره صفارزاده در گفت‌وگو با چند شاعر
با بیداری بیعت داشت

جام جم
روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران
WWW.JAMEJAMDAILY.IR
دوشنبه ۲۷ آبان ۱۳۹۸ | ۲۰ ربیع‌الاول ۱۴۴۱ | ۲۰ صفحه | سال بیستم - شماره ۵۵۲۷ | استان تهران و البرز ۲۰۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۱۰۰۰ تومان | Monday - 2019 NOV 18

۱۰

در جلسه درس خارج فقه خطاب به رؤسای ۳ قوه و مسؤولان صورت گرفت

دستور رهبر انقلاب برای جلوگیری از افزایش قیمت کالاها

۲

با مردم حرف بزنید آقایان!

باگذشت چند روز از سهمیه‌بندی بنزین، هنوز جامعه نسبت به این موضوع نگرانی‌هایی دارد؛ گفت‌وگوی مستقیم رؤسای ۳ قوه با مردم و تبیین دلایل این تصمیم می‌تواند به آرامش فضا کمک کند

ما نیز مردمیم... / حامد عسکری ۱
۱۰ پیشنهاد تکمیلی برای اصلاح قیمت بنزین ۳

عکس: ایرنا

۲

نقدی بر فیلم «مامور مخفی» که ماجرای یک نفوذی صهیونیست در ایران را روایت می‌کند

گل به خودیِ اسرائیل

۱۲

نگاهی به سریال «حکایت‌های کمال» که هنوز نتوانسته دل مخاطبانش را به‌دست آورد

کمال حال ندارد!

۵

ویژه‌ها

۱۰ پیشنهاد موضوع برای سریال‌سازی در صدا و سیما

جاهای خالی را پر کنید!

تلویزیون از زمان تأسیس و همان وقت که یکی دو شبکه بیشتر نداشت تا امروز در برنامه‌ها، فیلم‌ها و سریال‌هایی که روی آنتن می‌برد، به موضوعات و فضاهای مختلفی پرداخته است، جریانی که همچنان ادامه دارد و در آن تلاش شده تا همه سلیقه‌ها و نگاه‌ها را به خود جلب کند.

تاریخی، درام، ماورایی، خانوادگی و... برخی از مواردی اند که تلویزیون آنها را در سریال‌هایش مدنظر قرار داده است و در شبکه‌هایی گوناگون با مجموعه‌هایی که به صورت مداوم نو می‌شوند و مخاطب را درگیر می‌کنند، به آنها می‌پردازد. این ماجرا همچنان ادامه دارد و تا امروز هر کدام از این فضاها مخاطبان خاصی را به خود اختصاص داده است، حوزه‌هایی که گاهی کمرنگ می‌شوند و گاه با قدرت‌تر از همیشه به استقبال نگاه من و شما می‌روند.

۶ و ۷

بیشتر بخوانید

دکتر علی عسکری:

رسانه ملی متعلق به مردم و بسیج است

۵

۸ نکته برای ایمنی و بهینه کردن خودرو در زمستان

بپا یخ نزنی!

۱۳

کافه میرداماد

گفت‌وگو با مهدی قربانی درباره شهید مهدی زین‌الدین

استعدادی درخشان در خط مقدم

۲۰

یادداشت

تفکیک میان معترضان و اشرار

مهدی فضائلی
کارشناس مسائل سیاسی

تحلیل سخنان و بیانات مقام معظم رهبری باید با نگاه جامعی صورت گیرد و اگر ما به قسمتی از سخنان ایشان توجه کنیم و قسمت‌های دیگر را رها کنیم به یک تحلیل روشن و درست از سخنان ایشان نمی‌رسیم. همچنین این بیانات باید در مجموعه سخنان رهبری مورد توجه قرار گیرد.

بعد از اعلام نظر سران سه قوه درباره افزایش قیمت بنزین، رهبری از این تصمیم حمایت کردند. این حمایت البته چند شاخصه دارد. اول این‌که سه قوه در این باره به اتفاق نظر رسیدند و دیگر آن‌که این تصمیم یک عقبه کارشناسی دارد. گرچه رهبری در عین حال تاکید کردند کارشناسانی هم نظرات دیگری دارند، اما در چنین مواقعی سیره امام و رهبری این بود که از سران سه قوه حمایت کنند تا اجرای با رعایت جوانب و جهات مختلف به نفع کشور و مردم باشد.

نکته دیگر آن‌که رهبری در جاهای مختلف نقدهای جدی به دولت داشته و دارند و این حمایت رهبر از دولت در مورد این موضوع خاص محدود به این مصوبه است.

از سوی دیگر در کنار این حمایت، دو تکلیف هم برای مسوولان کشور تعیین و تاکید کردند. یکی آن‌که مسوولان باید تلاش کنند تا مشکلاتی که ناشی از اجرای این طرح برای مردم ایجاد خواهد شد کم شود و نکته دیگر این‌که مهم‌ترین نگرانی از تاثیر این تصمیم، افزایش قیمت در کالا و خدمات است، بنابراین باید مراقبت شود تا گرانی‌ها صورت نگیرد. از سوی دیگر توجه به بحث امنیت است. امنیت نیاز قطعی انسان و جوامع انسانی است. ضروری‌ترین و اصلی‌ترین نیازهای هر جامعه بستگی به امنیت دارد و اگر این موضوع مورد توجه قرار نگیرد امنیت اقتصادی و اجتماعی تامین نخواهد شد. تجربه نشان داده مواقعی که ناامنی و شرارت صورت می‌گیرد میزان جرایم اجتماعی افزایش قابل توجهی پیدا می‌کند. چون در چنین وضعیتی اشرار فضا را برای شرارت خود مناسب می‌بینند. نکته دیگر بحث تفکیک مردم از اشرار است. در اعتراضات صورت گرفته بخشی از مردم حضور داشتند و به هر صورت از اصل تصمیم و زمان اعلام و نحوه اجرای آن ناراضی بودند، اما یک عده هم به اسم اعتراض، شرارت کردند و به اموال عمومی آسیب رساندند. طبعا زیان این اقدامات متوجه مردم است و باید میان معترضان و اشرار تفکیک قائل شد.

از سوی دیگر شاهد بودیم بعد از وقوع اعتراضات، جریان‌های منحوس و ورشکسته سلطنت‌طلب و منافقین که لطماتشان به کشور عیان است با همراهی مقامات آمریکایی از اقدامات اشرار حمایت کردند. مشخص است این نوع و نحوه حمایت برای تحریک اشرار به آشوب است. از این رو باید کاملا متوجه این مسائل و همچنین آشوب‌طلبی‌های اشرار و جریان‌های ورشکسته سیاسی بود.

تلنگر

ما نیز مردمیم...

حامد عسکری
شاعر و نویسنده

صفحه بندی روزنامه تمام شده. از روزنامه زده‌ام بیرون. خیابان براق برف دیشب است، خسته‌ام، یک سیگارکش تا مترو راه است، مترو خلوت است، قطار می‌رسد، خلوت است، یله می‌شوم روی صندلی‌های آبی، دارم گره کور هندزفری‌ام را باز می‌کنم، پیرمرد سبز می‌شود جلویم:

چشم بند دارم نمی‌خری!

- نه باباجان به کارم نمیاد.

- ارزون میدم بازار ده تومنه من میدم پنج تومن

- نه ممنونم.

- چشمات سرخه، جوشکاری؟ چشاتو انگار برق زده!

می‌خواهم بگویم نه بعد فکر می‌کنم زده توی خال! می‌گویم: بله، ولی یه جور جوشکاری دیگه! میگه: چطور؟ می‌گویم: کلمه جوش میدم. نویسنده‌ام می‌نویسم. می‌گوید: آباریکلا، کجا؟ می‌گویم: روزنامه. می‌گوید: ها. روزنومه خوبه مردمو بنویس. می‌گویم: چشم... یک چشم بند از دسته چشم بندهای تریکو جدا می‌کند و می‌گوید: بنداز رو چشمات! می‌گویم: نه لازم ندارم، پول همراهم نیست (و واقعا نیست). می‌گوید: کی حرف پول زد؟ بنداز رو چشمات من می‌رم تا کهریزک هم مسیریم هرجا پیاده شدی بده بهم، بذار چشمات استراحت کنه. دستش را رد نمی‌کنم، هندزفری را توی گوش‌هایم جا می‌دهم. چشم بند را می‌کشم روی چشم‌هایم جهان تاریک می‌شود، صدای هندزفری کم است، قطار مثل دایناسوری بزرگ که به گرده‌اش گدازه آتشفشانی افتاده باشد، تکان می‌خورد و راه می‌افتد، صدای زنی کشدار می‌گوید:

ایستگاه شهید همت:

یک بار زنگ زده بودم به مهدی همدیگر را ببینیم گفتم کجایی گفت: توی اتوبان بابام. اگر الان حاج ابراهیم همت بود کجا بود؟ چه کاره بود؟ یکی بود مثل حاج کاظم آژانس که با یک حالا پیکان نه یک پراید دارد توی اسنپ کار می‌کرد. یا یکی بود که دفترش آسانسور اختصاصی داشت و برای دیدنش باید یک هفته قبلش وقت ملاقات می‌گرفتی... به قربون خم آی به قربربون خم زلف سیاااهت آی زلف سیاهت...

ایستگاه مصلی:

مصلی جای نماز... کدام نماز‌بندگی؟ کدام نماز را بیشتر دوست دارد؟ نمازم بین دو نیمه ایران اسپانیای توی ورزشگاه آره‌نای کازان وسط بخار و بوی آبجو یا نمازم در فاصله سه متری خانه‌اش توی مکه... توی همین مصلی بود که خوابیده بود توی آن مکعب شیشه‌ای و دنیا پیش چشممان سیاه بود. همینجا بود که پیرمرد را تشییع کردیم... در نماز خم ابروی تو در یاد آمد...

ایستگاه شهید بهشتی: خانم‌ها آقایان عاشق شوید... این سخرانی‌اش پلی می‌شود تو مغزم... شجریان زیرش می‌خواند: نفس برآمد و کام از تو برنمی‌آید... یک بغض خیس می‌چسبد ته حلقم... مثل چی! دکتر رفتی و خبر نداری قانون اساسی که با رفقایت نشستید. تنظیمش کردید توی همین مترو یک جاهایش را بلند بلند بخوانمش تشویش اذهان عمومی کرده‌ام.

ایستگاه بعد: شهید مفتح... وحدت حوزه و دانشگاه؟ وحدت؟ سر خیابان مطهری‌ام، ولی زیر زمین، توی همان دنیای تاریک می‌گویم: روحت شاد دکتر ولی مساله حجاب تو هنوز مساله ماست، تو خود حجاب خودی حافظ از میان برخیز...

ایستگاه شهدای هفت‌تیر: بچه که بودم فکر می‌کردم اینها را با هفت‌تیر کشته‌اند و اسم‌شان شده شهدای هفت‌تیر... یاری اندرکس نمی‌بینیم یاران را چه شد... به هفت تیر رسیده‌ام و به اینجای بیداد... به گلعذاران را چه پیش آمد هزاران را چه شد...

ایستگاه طالقانی: یک عکس معروف دارید با سیگار خیلی دوستش دارم، یک عکس معروف‌تر دارید روی موکت‌های کف مجلس نشسته‌اید، پدرم خیلی دوستتان دارد، از سخنرانی‌هایتان، از نمازجمعه‌هایتان، از مردم داریتان! نمازجمعه؟ توی همان دنیای تاریک زیر چشم بند فکر می‌کنم آخرین باری که نمازجمعه رفتم کی بوده و یادم نمی‌آید! یاد ایامی که در گلشن فغانی داشتم...

ایستگاه دروازه دولت: باید پیاده شوم، توی همین شلوغ‌ترین ایستگاه خط یک، توی دروازه دولت خیلی‌ها می‌دانند مقصدشان کجاست؟ خیلی‌ها درگیر عوض کردن خط می‌شوند، قطارها می‌روند. توی دروازه دولت خط مقصدت را باید درست انتخاب کنی! چشم‌بند پیرمرد کنارم را پس می‌دهم، تشکر می‌کنم. می‌گوید: ها چشمات برق می‌زنه خوبه، سرخیش رفت، برو در امان خدا... می‌زنم بیرون، سرما شیطنت می‌کند از پس یقه‌ام می‌خزد توی جانم... مور مورم می‌شود، شجریان می‌خواند: من به تنگ آمده‌ام از همه چیز بگذارید هواری بزنم هاااااای هاااای... از تهران منفی یک می‌آیم روی تهران همکف، بوی بنزین وامی‌رود توی ریه‌هایم، همیشه عاشق بویش بودم، بنزینی که همیشه سوخت چراغ زندگی خیلی‌هامان بوده، حالا شده هرم نفس هیولایی که هر عطسه‌اش کلبه‌ای نیئین و تردمان را به آتش می‌کشد، دلبر پتروشیمی تبار خوشبوی لاکردار چه کردی با زندگی ماها که حالا باید برای یک کرمان رفتنم، یک میلیون تومان از تو به ماشینم زیر لفظی بدهم تا رکاب بدهد؟

درد داریم و زخم و از چپ و راست می‌خوریم، ما مردم پهلوان‌های گردن کلفتی هستیم که سال‌هاست از کس و ناکس خورده‌ایم، حالا جوانکی نورسته به اسم بنزین آمده و یک تیزی را سه برابر بارهای قبلش توی گرده‌مان فرو کرده، ما با این همه زخم یک زخم بیشتر و کمتر خونی از ما کم نمی‌کند، ولی برای جوجه مزلفی مثل بنزین گنده‌لاتی دارد، که من هم این پهلوان مردم را زدم. ای ایران ای مرز پرگهر ای خاکت سرچشمه هنر... این توی گوشم حالا پلی می‌شود، به خانه‌های ریسه شده بر دو یال کوچه نگاه می‌کنم، همه آدم‌های این خانه مثل همند؟ مثل هم زندگی و فکر می‌کنند؟ نه! قطعا نه ولی شب به شب کنار همند و سر یک سفره... دور از تو اندیشه بدان... جان به جانمان بکنند ایرانی هستیم. حرص می‌خوریم ببینیم تا طبقه مورد نظر ما سه بار باید آسانسور توقف کند. حرص می‌خوریم یکی توی جاده از زمان سبقت بگیرد. حرص می‌خوریم. یکی جلوی مغازه‌اش جای پارک را یک سطل آشغال گذاشته و نمی‌گذارد کسی ماشینش را پارک کند. ما مردمیم ما تاریخیم نه تقویم. تقویم‌ها تمام می‌شوند و تاریخ است که می‌ماند. تا برسم به خانه ده تا دهانه کوچه رد می‌کنم. سر هر کدامشان فانوس اسم شهیدی است که باعث می‌شود گم نشویم. برادر غرق خونه... برادر کاکلش آتشفشونه...

ما که برادریمان را ثابت کردیم. سرما و گرما و جنگ و تحریم و راهپیمایی انتخابات... مردم که آمدند و هر بار کاری کردند کارستان ولی... هی.... سینه مالامال درد است. سینه که مالامال درد نیست؟ می‌شود درست شود و نمی‌شود. می‌شود کاری کرد و انگار نمی‌خواهند. سه روز قبل از گرانی بنزین خبری منتشر می‌شود مبنی بر کشف یک میدان نفتی بزرگ دیگر، خب مبارک است. چه فرقی به حال من دارد. چه فرق به حال پسرم دارد. بنزین گران شده چند نفر کشته و زخمی شده‌اند. چند تا پمپ بنزین و بانک و کانکس و مرکز اداری و تجاری آتش گرفته و توی عصبانیت عده‌ای سوخته‌اند. من نمی‌دانم چه جایگزینی پیشنهاد بدهم که صدای مردم شنیده شود من فقط می‌دانم خشونت راهش نیست. شکستن و آتش سوزی راهش نیست. من فقط می‌دانم حالم بد است. کامم تلخ است. دود همه اینها به چشم خودمان می‌رود. ساعتم را نگاه می‌کنم. نیم ساعتی هنوز وقت دارم تا این‌که خانه نگرانم نشوند. راهم را عوض می‌کنم. یک مقداری قدم بزنم حالم خوش‌تر شود. می‌روم سمت میدان امام خمینی(ره) زیر نام این سید خدا آرام می‌شوم، یک چایی توی شب میدان از پیرمرد دوره‌گرد می‌خرم و داغ‌داغ می‌نوشم... توی گوشم می‌پیچد: علی ای شیر خدا ای شاه مردان... دل ناشاد ما را شاد گردان...

دوردنیا

سعد حریری و جبران باسیل یکدیگر را مقصر انصراف الصفدی دانستند

منابعی در جریان آزاد ملی لبنان پس از حذف نام محمد الصفدی، به عنوان نخست وزیر این کشور درباره تعلل و تاخیر در اجرای دستور حذف اسامی و اعمال فشار سخن گفتند.

به گزارش ایسنا و به نقل از سایت شبکه المیادین، دفتر اطلاع‌رسانی نخست وزیر مستعفی لبنان بیانیه‌ای را درباره نامگذاری محمد الصفدی برای تصدی پست نخست وزیری لبنان صادر کرد.

دفتر سعد حریری گزارش داد، جبران باسیل، رئیس جریان آزاد ملی کسی بود که پیشنهاد کرد محمد الصفدی برای تصدی پست نخست وزیری لبنان مامور شود و دو بار بر نام این وزیر سابق اصرار کرد.

براساس بیانیه دفتر حریری، بعد از اصرار باسیل، حریری فورا موافقت خود را با آن اعلام کرد.

دفتر حریری آورده است: جریان آزاد ملی می‌خواهد حریری را مسؤول کناره‌گیری الصفدی به عنوان نامزد تشکیل دولت جدید معرفی کند.

پیشتر جریان آزاد ملی لبنان، سعد حریری را متهم به این کرده بودند که وی تمامی ماموریت‌هایی را که با معرفی محمد الصفدی به عنوان نخست وزیر به آن تعهد داده اجرا نکرده است. منابع در جنبش آزاد ملی لبنان در خصوص تعلل و تاخیر در اجرای دستور حذف اسامی و اعمال فشار سخن گفتند.

منابع جنبش آزاد ملی لبنان اعلام کردند، این جنبش ایده کارشناسان متخصص را که توسط فراکسیون‌های پارلمانی تشکیل و پشتیبانی شده و این جنبش در آن نماینده دارد مطرح کرد که حزب‌ا... و جنبش أمل با آن موافقت نکردند.

این دو حزب دولت تکنو- سیاسی را مطرح کردند که حریری با آن موافقت نکرد. پیشتر وزیر سابق و تاجر لبنانی که توسط احزاب سیاسی این کشور برای تصدی پست نخست‌وزیری تعیین شده بود از پذیرش این منصب انصراف داد.

انتخاب الصفدی بعد از آن صورت گرفت که حریری بر موضع خود درباره تشکیل دولت پافشاری کرد. او تأکید داشت اگر برای تشکیل دولت جدید انتخاب شود این دولت یک دولت کوچک تکنوکرات خواهد بود اما حزب‌ا... و أمل چنین دولتی را قبول ندارند و خواهان دولتی تکنو- سیاسی هستند.

تظاهرات در لبنان وارد دومین ماه شده است و فعالان لبنان امروز (یکشنبه) خواستار تظاهرات در میادین ریاض الصلح و الشهداء در مرکز بیروت و دیگر مناطق لبنان شدند.

ضمیمه رایگان امروز
ویژه‌نامه استانی
آذربایجان
نیازمندی استان‌های قم، اصفهان و البرز
جام جم